



# عربی، زبان قرآن (۱)



کلیه رشته های فنی و حرفه ای و کاردانش

پایه دهم دوره دوم متوسطه





**وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی**

عربی، زبان قرآن (۱) - پایه دهم دوره دوم متوسطه - ۲۱۰۱۱۱  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری  
گروه درسی عربی دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری - محمد کاظمی  
بهنیا (ویراستار)

اداره کل نظرات بر نشر و توزیع مواد آموزشی  
احمد رضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - محمد مهدی ذبیحی فرد (مدیر  
هنری، طراح جلد و صفحه‌آرا) - آزاده امینیان (تصویرگر) - رعنا فرج‌زاده دروئی،  
الهام جعفرآبادی، فریبا سیر و راحله زادفتح‌اله (امور آماده‌سازی)  
تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پژوهش (شهید موسوی)

تلفن: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹، ۸۸۳۰۹۲۶۶، دورنگار؛ ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۱۶۱۹  
ویکا: [www.irtextbook.ir](http://www.irtextbook.ir) و [www.chap.sch.ir](http://www.chap.sch.ir)

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: کلومتر ۱۷ جاده مخصوص  
کرج - خیابان ۶۱ (داروبخش) تلفن: ۰۴۹۸۵۱۶۱-۵، ۰۴۹۸۵۱۶۰، دورنگار؛

صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

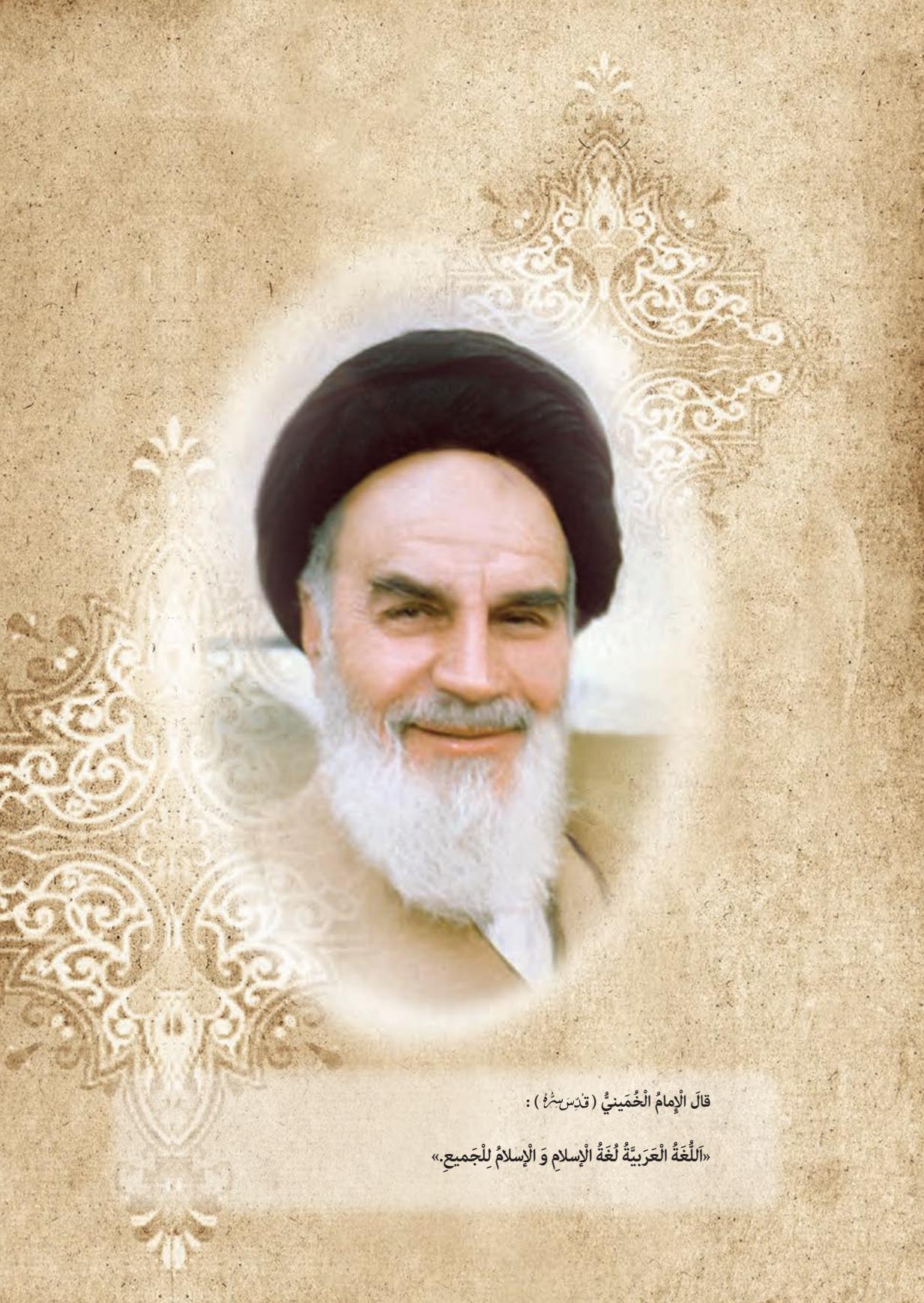
چاپ دوم ۱۴۰۰

نام کتاب:  
بدیدآورندۀ:  
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:  
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:

مدیریت آماده‌سازی هنری:  
شناسه افزوده آماده‌سازی:  
نشانی سازمان:

ناشر:  
چاپخانه:  
سال انتشار و نوبت چاپ:

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت  
آموزش و پژوهش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و  
ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نفاشی،  
تهییه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان  
تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



قال الإمام الخميني (قدس سره) :

«اللغة العربية لغة الإسلام و الإسلام لجميع».



# الفِهْرُسُ

الف

- ١ ..... بِيَشْكَفْتَار
- ٢ ..... الْدَّرْسُ الْأَوَّلُ
- ٣ ..... أَهْمَيَّةُ الْعَمَلِ
- ٤ ..... مُرَاجِعَةُ الْقَوَاعِدِ
- ٥ ..... حِوَارُ (الْتَّحَاوِفُ)
- ..... الْتَّمَارِين

- ٧ ..... الْدَّرْسُ الثَّانِي
- ٨ ..... يَدُ الْفَلَاحِ
- ٩ ..... الْأَعْدَادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِائَةٍ
- ١١ ..... حِوَارُ (بَيْنَ سَائِحِيْنَ)
- ١٢ ..... الْتَّمَارِين

- ١٧ ..... الْدَّرْسُ الثَّالِثُ
- ١٨ ..... قِبَّةُ الْعَمَلِ
- ٢١ ..... الْمَاضِيُّ وَالْمُضَارِعُ وَالْمَصْدُرُ (١)
- ٢٥ ..... حِوَارُ (فِي قِسْمِ الْجَوَازَاتِ)
- ٢٦ ..... الْتَّمَارِين

- ٢٩ ..... الْدَّرْسُ الرَّابِعُ
- ٣٠ ..... هَذَا خَلْقُ اللَّهِ
- ٣٣ ..... الْمَاضِيُّ وَالْمُضَارِعُ وَالْمَصْدُرُ (٢)
- ٣٧ ..... حِوَارُ (فِي صَالَةِ التَّفَتِيشِ بِالْجَمَارِكِ)
- ٣٨ ..... الْتَّمَارِين

## پیشگفتار

### سخنی با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای هنرجویان

خدای را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش نخستین کتاب «عربی» ویژه پایه دهم رشته‌های فتی و حرفه‌ای و کاردانش به جوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه کنیم. شایسته است دبیر عربی برای تدریس این کتاب، کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا نهم را تدریس یا به‌دقت مطالعه کرده باشد.

تدریس بدون اطلاع از آموخته‌های پیشین هنرجو، تدریسی موفق نخواهد بود.

رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است: «پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی».

هدف اصلی آموزش زبان عربی، فهم متن به‌ویژه فهم قرآن‌کریم و متون دینی همانند احادیث، دعاها و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است.

شیوه تألیف کتاب‌های عربی، متن محوری است. انتظار می‌رود هنرجوی پایه دهم بتواند در پایان سال تحصیلی، متون و عبارات ساده قرآنی را در حد ساختارهای خوانده شده، درست بخواند و معنای آنها را بفهمد و ترجمه کند.

این کتاب با توجه به مصوبات استناد بالادستی «قانون اساسی»، «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهمترین سند تألیف کتاب‌های درسی است. راهنمای برنامه درسی عربی نیز نقشه راه تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است.

کلمات کتاب‌های عربی پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، احادیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته است.

از آنجا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است، به استناد برنامه درسی ملی، مکالمات کوتاهی در کتاب گنجانده شده است. مکالمه بستره مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد؛ ولی هدف اصلی برنامه درسی عربی نیست.

#### **مهمنه ترین تأکیدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:**

۱ این کتاب در چهار درس تنظیم شده است. هر درس را می‌توان در پنج ساعت آموزشی تدریس کرد.

زمان تدریس، یک ساعت در هفتة است. برخی مدرسه‌ها، درس عربی را دو هفتة یک بار در دو ساعت آموزشی، برنامه‌ریزی می‌کنند.

۲ آزمون نوبت اول در دی ماه از درس اول و دوم است.

۳ هنرجوی پایه دهم تاکنون با این ساختارها آشنا شده است:

فعال‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه صفت مؤخر در ترکیب‌هایی مانند «أَخُوكُنَ الصَّغِيرُ». هدف آموزش ترکیب وصفی و اضافی در کتاب عربی پایه نهم این بود که دانش آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أَخِي الْعَزِيز» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند.

وزن و ریشه کلمات، اسم اشاره، کلمات پرسشی و ساعت خوانی. (در ساعت خوانی فقط ساعت کامل، ربع و نیم آموزش داده شده؛ مثلاً «چهار و بیست و پنج دقیقه» آموزش داده نشده است).

**۴ درس اول مرور آموخته‌های پیشین است.**

در درس دوم، عددها آموزش داده می‌شود. در دوره اول متوسطه، عددهای اصلی و ترتیبی تا دوازده آموزش داده شده است. در این کتاب عددهای اصلی از یک تا صد و عددهای ترتیبی از یکم تا بیست آموزش داده خواهد شد. مباحث مطابقت عدد و محدود و ویژگی‌های محدود جزء اهداف آموزشی کتاب نیست.

**۵ هدف آموزشی درس سوم و چهارم این است که فراگیر با استفاده از آموخته‌های سه سال اول با فعل‌هایی آشنا شود که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها بیش از سه حرف است. ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرد و مزید و تشخیص ثلاثی مجرد از ثلاثی مزید و ذکر نوع باب و صیغه فعل از اهداف آموزشی نیست. هر فعلی که تغییرات پیچیده صرفی دارد از اهداف کتاب نیست؛ برای نمونه هرچند در کتاب، فعل «أَرَادَ» به کار رفته و فعل «أَفْعَلَ» نیز آموزش داده شده است؛ اما از فعل «لَا تُرِدْ» سؤال طرح نمی‌شود و اگر معنای «أَرَادَتْ» را در جمله بخواهیم، اشکالی ندارد؛ چون تغییر ریشه‌ای در مقایسه با «أَرَادَ» ندارد.**

**۶ نیازی به جزوء مکمل قواعد نیست.** آنچه لازم بوده در کتاب آمده است یا در سال‌های بعد خواهد آمد.

**۷ پژوهش و کار عملی فعالیت‌هایی مانند نمایش، سرود، ترجمة تصویری، روزنامه دیواری و داستان نویسی است.**

**۸ تحلیل صرفی و اعراب، تعریب، اعراب‌گذاری، تبدیل «مذکور به مؤنث» یا «مخاطب به غیرمخاطب» یا «جمع به غیرجمع» و موارد مشابه از اهداف کتاب درسی نیست.**

**۹ آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های دوره اول متوسطه بومی‌سازی شده و بر اساس «من، تو، او، ما، شما، ایشان» است. سیک پیشین این گونه بود: «هو، هُم، هُم، هي، هُم، هُنّ، أنت، أنتِ، أنتُم، أنتِ، أنتُم، أنتِ، أنا، نَحْنُ».**

شیوه نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بوده و فراگیران درس را بهتر آموخته‌اند.

**۱۰ روخوانی‌های هنرجو و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال، نمره شفاهی وی را تشکیل می‌دهد.**

۱۲ در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرين در نظر گرفته شده است تا به دفتر تمرين نيازی نباشد.

۱۳ از بخش النشاط اللغوی و البحث العلمی در امتحانات، مسابقات و کنکور سؤال طرح نمی شود.

۱۴ ذکر صیغه به صورت مفرد مذکور غایب، سوم شخص مفرد یا لغائیب از اهداف کتاب نیست؛ لذا در امتحانات، مسابقات و کنکور از آن سؤال طرح نمی شود.

۱۵ از همکاران ارجمند درخواست داریم تا با رویکرد دفتر تأییف همگام شوند؛ زیرا هنرجویان با این شیوه از دوره اول متوجه به دوره دوم متوجه آمده اند.  
اگر تمایل دارید از نظریات شما آگاه شویم، می توانید از طریق وبگاه گروه عربی پیغام بگذارید.

نشانی وبگاه گروه درسی عربی:  
<http://arabic-dept.talif.sch.ir>

## سخنی با هنرجویان عزیز

زبان عربی را می‌آموزیم؛ زیرا:  
زبان قرآن، حدیث و دعاست.

زبان رسمی بسیاری از کشورهای مسلمان است.

زبان و ادبیات فارسی با آن در آمیخته و برای فهم بهتر زبان فارسی، آشنایی با زبان عربی لازم است.

یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحده است.  
زبانی کامل، پرمغنا و قوی است.  
ادبیات آن غنی است.

چند سده، بسیاری از متون علمی در ایران به زبان عربی نگاشته شد؛ مانند: متون پژوهشی، ستاره‌شناسی، ریاضیات، فلسفه، تاریخ، جغرافی و ...

این کتاب ادامه سه کتاب پیشین است. هرآنچه در سه سال گذشته آموخته‌اید در متون، عبارات و تمرین‌های این کتاب تکرار شده است.

ترجمهٔ متون و عبارات کتاب بر عهدهٔ شمامست و دیر نقش راهنمای دارد.

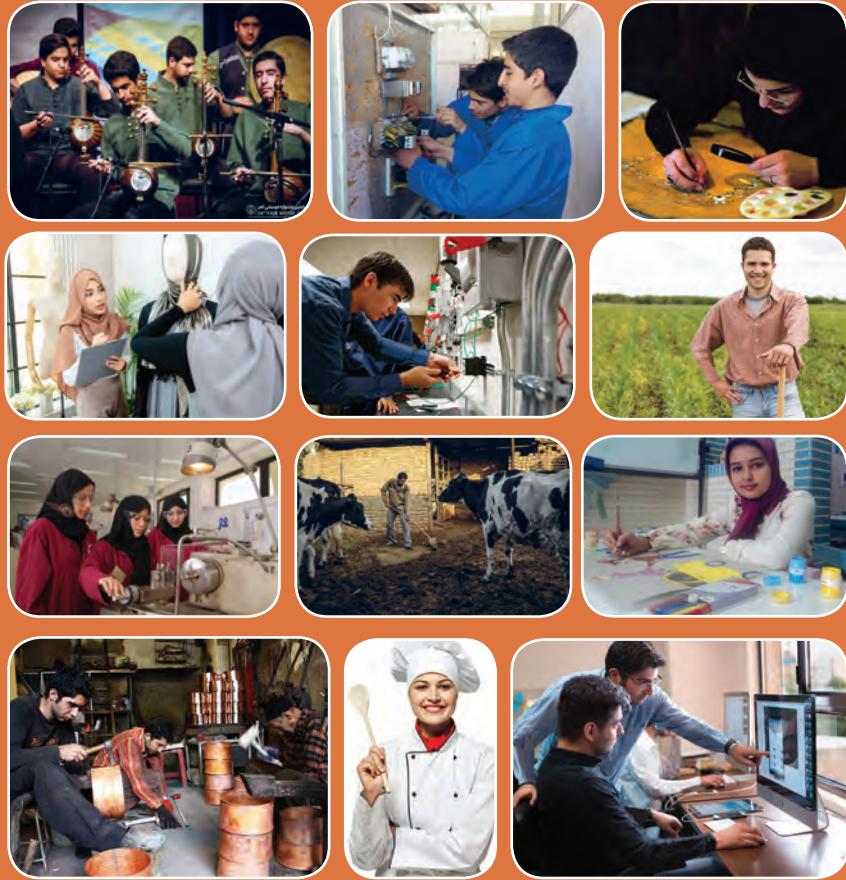
استفاده از کتاب کار توصیه نمی‌شود؛ زیرا در آنها تخلف آشکار از اهداف آموزشی دیده می‌شود؛ در کتاب‌هایی که به نام تیزهوشان یا آمادگی برای کنکور و مسابقات طراحی می‌شود، موارد بسیاری از اهداف آموزشی زبان‌آموزی نیست.

برای یادگیری هر زبانی باید بسیار تکرار و تمرین کرد. اگر می‌خواهید در درس عربی موفق‌تر باشید، پیش‌مطالعه کنید.

هدف این کتاب، فهم متن است. اگر شما بتوانید متون عربی را خوب بخوانید و درست بفهمید و ترجمه کنید، خود به‌خود می‌توانید از فارسی به عربی نیز ترجمه کنید و حتی سخن بگویید؛ از آیات و احادیث کتاب‌های درسی عربی می‌توانید در انشا و مقاله‌نویسی و به هنگام سخنرانی استفاده کنید.



# آلدَّرْسُ الْأَوَّلُ



حِرْفَةُ الْمَرءِ كَنْزٌ. الْإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

پیشۀ انسان گنج است.

## أَهْمِيَّةُ الْعَمَلِ

يَهْتَمُ الْإِسْلَامُ بِالْعَمَلِ الَّذِي يَنْفَعُ الْآخَرِينَ وَ لَا يَضُرُّ النَّاسَ وَ يَكُونُ فِي كَسْبِ الرِّزْقِ الْحَلَالِ.  
الْهَدْفُ مِنَ الْعَمَلِ لَا يَنْحَصِرُ فِي الْحُصُولِ عَلَى الْمَالِ وَ جَمِيعِهِ فَقَطْ.  
كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا يَنْظُرُ إِلَى شَخْصٍ يُعِجِّبُهُ يَسَّأْلُ: «هَلْ لَهُ حِرْفَةٌ؟» فَإِنْ قِيلَ لَهُ: كَانَ يَقُولُ سَقْطًا مِنْ عَيْنِي.

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ...﴾ أَجْاْثِيَّة: 15

الْأُمُورُ بِالثَّجْرِبَةِ، الْأَعْمَالُ بِالْخُبْرَةِ. إِلَمَّاْمُ عَلَيْهِ عَلَيْهِ طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيقَةً عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةً. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ  
الْكَاسِبُ حَبِيبُ اللَّهِ وَ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَحَرِّفَ. إِلَمَّاْمُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ  
الْعِبَادَةُ عَشَرَةُ أَجْزَاءٍ تِسْعَةُ مِنْهَا فِي طَلَبِ الْحَلَالِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ  
الْكَادُ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حَلَالٍ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ  
الْعَمَلُ بِالْيَدِ مِنْ عَمَلِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ وَ الصَّالِحِينَ.  
إِلَمَّاْمُ مُوسَى الكاظِمُ عَلَيْهِ

### الْمُعْجَمُ

أُمُورٌ: چیزها «مفید: آمر»

إِنْ قِيلَ: اگر گفته می شد «قیل: گفته شد»

أَوْصِيَاءٌ: جانشینان پیامبر «مفید: وصی»

حِرْفَةٌ: پیشه «جمع: حرف»

خُبْرَةٌ: کارданی و کارآزمودگی

صَالِحٌ: درستکار، کاردروست

عِيَالٌ: افراد خانواده

كَادٌ: تلاشگر = مُجِدٌ، مُجْتَهِدٌ

لَا يَضُرُّ: ضرر نمی زند

لَا يَنْحَصِرُ: منحصر نمی شود

مُتَحَرِّفٌ: پیشه ور، دارای حرفه

مُرْسَلِيَّنَ: فرستادگان

يُعِجِّبُهُ: از او خوشش می آید

يَكُونُ: می باشد

يَهْتَمُ بِـ: اهمیت می دهد به

## اعلموا

مراجعة القواعد:

نوع فعل				ضمير		
نهي	امر	مضارع	ماضي	كتابي	أنا	من
		أَفْعَلُ	فَعَلْتُ	كتابي	أَنَا	
لا تَفعَلْ	افْعِلْ	تَفعُلْ	فَعَلْتَ	كتابك	أَنْتَ	
لا تَفعَلِي	افْعَلِي	تَفعَلِينَ	فَعَلْتِ	كتابك	أَنْتِ	
		يَفْعُلُ	فَعَلَ	كتابه	هُوَ	
		تَفعُلْ	فَعَلَتْ	كتابها	هِيَ	
		نَفعُلْ	فَعَلْنَا	كتابنا	نَحْنُ	
لا تَفعَلُوا	افْعَلُوا	تَفعَلُونَ	فَعَلْتُمْ	كتابكم	أَنْتُمْ	
لا تَفعَلَنَ	افْعَلَنَ	تَفعَلْنَ	فَعَلْتُنَّ	كتابكنَّ	أَنْتُنَّ	
لا تَفعَلَا	افْعَلَا	تَفعَلَانِ	فَعَلْتُمَا	كتابگُما	أَنْتُمَا	
لا تَفعَلَا	افْعَلَا	تَفعَلَانِ	فَعَلْتُمَا	كتابگُما	أَنْتُمَا	
		يَفْعُلُونَ	فَعَلُوا	كتابهُمْ	هُمْ	
		يَفْعُلَنَ	فَعَلْنَ	كتابهُنَّ	هُنَّ	
		يَفْعَلَانِ	فَعَلَا	كتابهُمَا	هُمَا	
		تَفعَلَانِ	فَعَلَتَا	كتابهُمَا	هُمَا	

این جدول یادآوری مهمترین آموخته‌های دوره اول متوسطه است؛ یادگیری مطالب جدول، در یک جلسه یک ساعته در کلاس درس امکان‌پذیر نیست. با تکرار و تمرین در منزل، این مطالب را ملکه ذهن خود کنید.

## حوارُ (الْتَّعَارُفِ) \*

**مُوَظَّفُ قاعَةِ الْمَطَارِ \***

صَبَاحَ التُّورِ وَ السُّرُورِ.

أَنَا بِخَيْرٍ، وَ كَيْفَ أَنْتَ؟

عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟

مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟

إِسْمِي سَعِيدٌ.

لَا؛ مَعَ الْأَسْفِ \* . لِكِنِّي أُحِبُّ أَنْ أَسْافِرَ \* .

إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ إِلَى الْلَّقَاءِ؛ مَعَ السَّلَامَةِ.

فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ.

**الْمُسَافِرُ**

صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي.

كَيْفَ حَالُكَ؟

بِخَيْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ.

أَنَا مِنْ إِيرَانَ.

إِسْمِي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟

هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيرَانَ حَتَّى الْآنَ؟

إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيرَانَ!

فِي أَمَانِ اللَّهِ.



مَطَار: فِرَودَگَاه «جَمْع: مَطَارَات»      مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ نَامِ شَرِيفٍ  
أَنْ أَسْافِرَ: كَه سَفَرْ كَنْ «مَاضِي: سَافَرْ / مَضَارِع: يُسَافِرُ»

تَعَارُف: آشْنَائِي      قاعَة: سَالِن «جَمْع: قاعَات»  
شَمَا چِیست؟      مَعَ الْأَسْفِ: مَتَأْسِفَانَه



الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: أَعْيُنُ التَّرْجِمَةِ الصَّحِيحَةِ لِلْأَحَادِيثِ التَّالِيَّةِ، ثُمَّ اكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطَّ.

١- اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اِعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا۔ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

برای [دنیات  دنیا ] چنان کار کن گویی همیشه [زندگی می کنی  لذت می بری ] و برای آخرت چنان کار کن گویی [فردا می میری  نزدیک است بمیری ].

٢- اُنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ۔ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

به آنچه گفته است [بنگر  می نگم ] و به آن که گفته است [زنگر  نمی نگم ].

٣- إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ۔ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

هرگاه فرومایگان (فروماهیه‌ترها) [به فرمانروایی برسند  توana شوند ؛ شایستگان (برترها) هلاک می‌شوند.

٤- مَنْ زَرَعَ الْعُدُوانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ۔ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

هرکس [دشمنی  دوستی ] کاشت؛ [زیان  سود ] درو کرد.

٥- الْكَلَامُ گَالَدَوَاءُ، قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلُ۔ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

سخن مانند داروست. انکش [سود می رساند  شفا می دهد ] و بسیارش گشته است.

٦- اُطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصِّينِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيَضَةً۔ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

دانش را [می جویند  بجویید ] گرچه در چین باشد؛ زیرا جستن دانش [واجب  شایسته ] است.

٧- إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوكَ، فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ۔ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هرگاه [بر دشمنت توانی یافته  دشمن را شکست دادی ؛ بخشیدن او را شکرانه قدرت یافتن بر او اقرار می‌دهی  قرار بده ].

٨- قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ۔ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

گفتن [نادانم  نمی دانم ] نیمی از دانش است.

١- عَيْنُ: مشخص کن

٢- إِجْعَلُ + الْعَفْوُ = إِجْعَلِ الْعَفْوَ (حرف ساکن لام در فعل امرِ إِجْعَلُ، به دلیل برخورد با حرف ساکن لام در الْعَفْوَ کسره گرفته است. در اصطلاح گفته می‌شود «الْتِقاء ساکنین» شده است).

ب. أَكْتُبِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَضَادَةَ فِي الْحَدِيثِ الْأَوَّلِ وَالْخَامِسِ.

ج. أَكْتُبِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ فِي الْفَرَاغِ \* .

[أَفْضَل / قَوْل / عُدُوان / قُوَّةً / أَحْسَن / گلام / قُدرَةً / عَدَاوَةً]

د. أَكْتُبْ مُفَرَّدَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ.

أَعْمَالٌ: حِرَافٌ: فَرَائِضٌ:

هـ. أَكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِي الْجُمْلَةِ السَّابِعَةِ.

الْتَّمْرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمُ فِعْلَ كُلُّ جُمْلَةٍ، ثُمَّ أَكْتُبْ نَوْعَهُ.

١- الْأَوَّلُ دُرُوسَهُ.

٢- صَدِيقِي يَكْتُبُ رسَالَةً.

٣- رَجَاءً، أَكْتُبُ واجِباتِكَ.

٤- زَمِيلِي ما كَتَبَ التَّمْرِينَ.

٥- هُوَ سَيِّكُبُ عَلَى اللَّوْحِ.

٦- سَوْفَ يَكْتُبُ الطَّبِيبُ وَصَفَةً.

٧- لَا يَكْتُبُ الْعَاقِلُ عَلَى الشَّجَرَةِ.

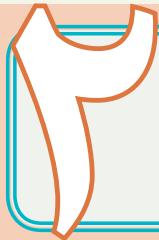
٨- مِنْ فَضْلِكَ لَا تَكْتُبْ عَلَى كُرْسِيِّكَ.

الْتَّمْرِينُ الثَّالِثُ: أَكْتُبْ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ، وَحُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةِ.

١- نَاصِر، مَنْصُور، نَصِيرٌ:

٢- صَبَار، صَبُور، صَابِرٌ:

١- فَرَاغٌ: جَاءَ خَالِي «جَمْعٌ: فَرَاغَاتٌ» ٢- تَرْجِمٌ: تَرْجِمَهُ كَنْ



## آلدَرْسُ الثَّانِي



إِذْرَعُوا وَ اغْرِسُوا \* ... وَ اللَّهُ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَدَّ

وَ لَا أَطِيبَ \* مِنْهُ . الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ



کشاورزی کنید و نهال بکارید ... به خدا سوگند مردم کاری را حلال تر و خوب تر از آن انجام نداده اند.



## يَدُ الْفَلَاحِ

تَوَجَّدُ قِصَصٌ كَثِيرَةً فِي تَارِيخِ الْإِسْلَامِ تُبَيَّنُ لَنَا قِيمَةَ الْعَمَلِ؛ مِنْهَا :



كَانَ النَّبِيُّ ﷺ جَالِسًا مَعَ خَمْسَةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ تَحْتَ شَجَرَةٍ؛  
فَدَخَلَ عَلَيْهِمْ رَجُلٌ ذُو وَجْهٍ أَسْمَرٍ وَيَدَيْنِ خَشِنَتَيْنِ؛  
فَهُمُ الْحاضِرُونَ مِنْ ظَاهِرِهِ أَنَّهُ فَلَاحٌ وَمَهْنَتُهُ الزَّرَاعَةُ.  
عِنْدَئِذٍ صَحَّكَ وَاحِدٌ مِنَ الْحاضِرِينَ  
وَأَرَادَ أَنْ يَسْتَهِزِيَ بِهِ؛  
لِكِنَّ النَّبِيَّ ﷺ عِنْدَمَا شَاهَدَهُ رَحَبَ بِهِ  
وَأَجْلَسَهُ إِلَى جَانِيهِ.  
فَتَعَجَّبَ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْحاضِرِينَ مِنْ هَذَا الْعَمَلِ؛

١— الْقِصَّةُ يَتَصَرَّفُ.

ثُمَّ تَعْجَبُوا كَثِيرًا حِينَما أَخَدَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَدَ الْفَلَاحِ بِيَدِهِ وَقَالَ:

إِنَّهَا يَدٌ يُحِبُّهَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ.



سَأَلَ رَجُلٌ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ: أَيُّ الْمَالٍ خَيْرٌ؟ قَالَ: رَزْعٌ رَزَعَهُ صَاحِبُهُ.

رَحْمَ اللَّهُ امْرًا عَمِيلَ عَمَلًا، فَأَتَقْنَاهُ . رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

آفَةُ النُّجُحِ الْكَسْلُ . الْإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

## الْمُعَجَّم

أَتَقْنَ عَمَلًا: کاری را درست و استوار انجام

داد «مضارع: يُتقن»

أَجْلَسَ: نشانید «مضارع: يُجلِسُ»

أَحَلَّ: حلال تر

أَسْمَرَ: گندمگون

أَطَيَّبَ: خوب تر

إِغْرِسَوْا: نهال بکارید

«ماضی: غَرَسَ / مضارع: يَغْرِسُ»

بَيَّنَ: آشکار می کند «ماضی: بَيَّنَ»

ذَوَ: دارای

ذو وَجْهٍ أَسْمَرَ: دارای چهره ای گندمگون

رَحْبَ بِهِ: به او خوشامد گفت

«مضارع: يُرْحِبُ»

رَحْمَ اللَّهُ: خدا رحمت کند!

عِنْدَئِذٍ: در این هنگام

كَسْلٌ: تنبلي ≠ نشاط

مِهَنَةٌ: شغل = حِرْفَةٌ، شُغْلٌ «جمع: مِهَنٌ»

نُجْحٌ: موفقیت = نجاح

يَدَيَنِ حَشِيشَتَيْنِ: دو دست زبر «حَشِيشَةٌ: زبر»

يَسْتَهْزِيُ بِهِ: او را ریشخند می کند

«ماضی: إِسْتَهْزَأَ بِ»

## أَحْبَبْ عَنِ الْأَسْلَمِ التَّالِيَةُ إِجَابَاتٍ قَصِيرَةً.

- ..... ١- ما كَانَتْ مِهْنَةُ الرَّجُلِ الَّذِي دَخَلَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ؟
- ..... ٢- مَاذَا أَرَادَ أَنْ يَفْعَلَ الرَّجُلُ الَّذِي ضَحِكَ عَلَى الْفَلَاحِ؟
- ..... ٣- كَيْفَ كَانَ ظَاهِرُ الرَّجُلِ الَّذِي دَخَلَ فِي الْمَجْلِسِ؟
- ..... ٤- كَمْ صَحَابِيًّاً كَانَ جَالِسًا مَعَ النَّبِيِّ ﷺ؟
- ..... ٥- مَنْ رَحِبَ بِالرَّجُلِ الَّذِي دَخَلَ الْحَاضِرِينَ؟
- ..... ٦- أَيْنَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ جَالِسًا؟

### إِعْلَمُوا

#### الْأَعْدَادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ

الْأَعْدَادُ التَّرْتِيبِيَّةُ (الْأَوَّلُ إِلَى الْعِشْرِينَ)		الْأَعْدَادُ الْأَصْلِيَّةُ (وَاحِدٌ إِلَى مِئَةٍ)	
الْحَادِيَ عَشَرَ	١١	الْأَوَّلُ	١٠
الثَّانِيَ عَشَرَ	١٢	عِشْرَةَ	١١
الثَّالِثُ عَشَرَ	١٣	عِشْرُونَ	١٢
الرَّابِعُ عَشَرَ	١٤	تَلْاثُونَ	١٣
الْخَامِسُ عَشَرَ	١٥	خَمْسُونَ	١٤
السَّادِسُ عَشَرَ	١٦	سِتُّونَ	١٥
السَّابِعُ عَشَرَ	١٧	سَبْعُونَ	١٦
الثَّامِنُ عَشَرَ	١٨	ثَمَانُونَ	١٧
الْتَّاسِعُ عَشَرَ	١٩	تِسْعُونَ	١٨
العَشْرُونَ	٢٠	مِئَةٌ	١٩

- ١- عددهای اصلی ۳ تا ۱۰ به دو شکل با «ة» و بدون «ة» می‌آیند؛ مثال: أربعة و أربع.
- ٢- عددهای ۲۰، ۳۰، ۴۰، ۵۰، ۶۰، ۷۰، ۸۰، ۹۰ با «ون» و «ین» می‌آید؛ مثال: أربعون و أربعين.
- ٣- «مِئَةٌ» به صورت «مِائَةٌ» نیز نوشته می‌شود.
- ٤- در زبان عربی، یکان پیش از دهگان می‌آید؛ مثال: «أَرْبَعَةٌ وَ خَمْسُونَ» یعنی «پنجاه و چهار».

..... ۱- آموزش قواعد محدود از اهداف کتاب درسی نیست.

## حوارٌ (بينَ سائِحِينَ)

**سائِحٌ مِنَ الْعِرَاقِ**

مساءَ النُّورِ.

لا؛ أَنَا مِنَ الْعِرَاقِ. أَأَنْتَ مِنْ باكِستان؟

كَمْ عُمْرُكَ؟

مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتَ؟

طَبِيعَةُ إِيَلَامِ جَمِيلَةُ.

نَعَمْ؛ ذَهَبْتُ لِزِيَارَةِ الْإِمَامِ الثَّامِنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

إِنَّ إِيَرَانَ بَلَدٌ جَمِيلٌ جِدًا.

**سائِحٌ مِنْ إِيَرَانَ**

مساءَ الْخَيْرِ.

هَلْ حَضَرْتَكَ مِنْ الْكُوَيْتِ؟

لا؛ أَنَا إِيَرَانِي. كَمْ مَرَّةً جِئْتَ لِلزِيَارَةِ؟

أَنَا جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ.

عُمْرِي سِتَّةَ عَشَرَ عَامًاً.

أَنَا مِنْ إِيَلَامَ.

هَلْ ذَهَبْتَ إِلَى إِيَرَانَ مِنْ قَبْلِ؟

كَيْفَ وَجَدْتَ إِيَرَانَ؟



سائِح: گردشگر «جمع: سائِحُونَ و سُيَاح» حضرَتَكَ: حضرت عالی

## الَّتَّمَارِينَ

الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: أَجْبُ عَنِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةِ التَّالِيَّةِ كَالْمِثَالِ.

(+) زائِدُ (\*) (− ناقِصُ (\*) (÷ تقسيمٌ على) (× في ، ضربٌ في <sup>١</sup>)

١- عَشَرَةُ في ثَلَاثَةٍ يُساوي ثَلَاثَيْنَ.  $10 \times 3 = 30$

٢- تِسْعَوْنَ ناقِصُ أَرْبَعِينَ يُساوي خَمْسِينَ.

٣- مِئَةٌ تقسيمٌ على خَمْسَةٍ يُساوي عِشرِينَ.

٤- سِتَّةٌ في أَحَدَ عَشَرَ يُساوي سِتَّةً وَ سِتَّينَ.

٥- خَمْسَةٌ وَ سَبْعَوْنَ زائِدُ خَمْسَةٍ وَ عِشرِينَ يُساوي مِئةً.

٦- إِثْنَانِ وَ ثَمَانُونَ تقسيمٌ على اثْتَيْنِ يُساوي واحداً وَ أَرْبَعينَ.

التَّمَرِينُ الثَّانِي: أَكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ عَدَدًا تَرْتِيبِيًّا مُنَاسِبًا.

١- الْشَّهْرُ الـ ..... من شهور السنة شهر مهر.

٢- الْيَوْمُ الـ ..... من أيام الأسبوع يوم الخميس.

٣- نَحْنُ فِي الصَّفِ الـ ..... في هذه السنة الدراسية.

٤- الْفَصْلُ الـ ..... في السنة الإيرانية فصل الشتاء.

٥- الْفَصْلُ الـ ..... في السنة الإيرانية فصل الخريف.

٦- يَأْخُذُ الْفَائِزُ الْأَوَّلُ جَائِزَةً ذَهَبِيَّةً وَ الْفَائِزُ الـ ..... جائزةً فضيَّةً.

١- برای اختصار، کلمه «ضرب» در «ضرب في» حذف می‌شود.

زنده: به علاوه ناقص: منهاي يساوي: مساوي است با «ماضي: ساوي»

## التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: إِنْتَخِبِ الصَّحِيحَ

١- سِتَّةُ وَ سَبْعُونَ:  ٦٧     ٧٦

٢- ثَلَاثَةُ عَشَرَ:  ٢٣     ١٣

٣- تِسْعَةُ وَ ثَلَاثُونَ:  ٣٩     ٩٣

٤- آلَسِادِيسَ عَشَرَ:  ١٦ م     ١٩ م

## التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: ضَحْنُ فِي الْفَرَاغِ عَدَدًا مُنَاسِبًا مِنَ الْأَعْدَادِ التَّالِيَةِ؛ ثُمَّ كَمْلُ التَّرْجِمَةِ.

٥- حَمْسٌ / إِثْنَانٌ / ثَلَاثَةٌ

١- الصَّبْرُ .....: صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَصَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ، وَصَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ \* . رسول الله ﷺ

بردباري ..... گونه است: بردباری بر مصیبت و بردباری بر بندگی و بردباری بر نافرمانی.

٢- قالَ رَسُولُ الله ﷺ: لا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ: (قاطِعُ الرَّحْمَمْ وَ جَارُ السَّوْءِ).

فرستاده خدا فرمود: نفر خدا، روز رستاخیز به آنها نمی‌نگرد: بُرْنَدَه پیوندِ خویشان و همسایه بد.

٣- عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ .....: الْوَرَعُ فِي الْخَلْوَةِ، وَ الصَّدَقَةُ فِي الْقِلَّةِ، وَ الصَّبْرُ عَلَى الْمُصِيبَةِ، وَ الصَّدَقُ عِنْدَ الْخَوْفِ، وَ الْجِلْمُ عِنْدَ الْعَضَبِ . الإمام السجّاد ع

نشانه‌های مؤمن ..... چیز است: پارسایی در خلوت، صدقه در تنگدستی، بردباری بر مصیبت، راستگویی هنگام ترس و شکیبایی هنگام خشم.

ضَحْنُ: بگذار «ماضی: وَضَعَ / مضارع: يَضَعُ»      طاعة: بندگی  
كَمْلُ: كامل کن «ماضی: كَمْلَ / مضارع: يُكَمِّلُ»      قِلَّة: کمی ≠ کثره  
جِلْمُ: شکیبایی = صَبْر      معصیة: نافرمانی

**اللَّمْرِينُ الْخَامِسُ: أَكْتُبِ السَّاعَةَ بِالْأَرْقَامِ.**

١—الْحَادِيَةَ عَشْرَةَ إِلَّا عَشْرَ دَقَائِقَ.

.....  
.....  
.....  
.....  
.....  
.....

٢—السَّابِعَةُ وَعِشْرُونَ دَقِيقَةً.

.....  
.....  
.....  
.....  
.....  
.....

٣—الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ تَمَاماً.

.....  
.....  
.....  
.....  
.....  
.....

٤—السَّادِسَةُ إِلَّا رُبْعَاً.

.....  
.....  
.....  
.....  
.....  
.....

٥—الخَامِسَةُ وَالنِّصْفُ.



## آلَّتَّمْرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِيمُ الْعِبَاراتِ التَّالِيَّةِ.

- ١- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ طَوْلَ قَامَةِ الرَّرَاقَةِ سِتَّةُ أَمْتَارٍ وَ تَسْتَطِيعُ رُؤْيَةَ حَلْفِهَا دُونَ أَنْ تُدِيرَ رُأْسَهَا؟
- ٢- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ الْكَلْبَ يَقِدِّرُ عَلَى سَمَاعِ صَوْتِ السَّاعَةِ مِنْ مَسَافَةِ أَرْبَعِينَ قَدَمًا؟
- ٣- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ عَدَدَ أَنْوَاعِ الْأَسْمَاكِ يَزِيدُ عَنْ خَمْسَةِ وَ عِشْرِينَ أَلْفَ نَوْعًا؟
- ٤- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ النَّمَلَةَ تَقْدِرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ يَفْوُقُ وَزَنَهَا خَمْسِينَ مَرَّةً؟
- ٥- هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ ثَمَانِينَ بِالْمِائَةِ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَشَراتُ؟



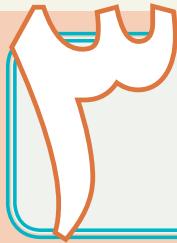
أَمْتَار: جَمْعُ مَتْرٍ      دُونَ أَنْ تُدِيرَ: بِآنَّكَه بِچَرخَانَد «ماضِي: أَدَار / ماضِي: يُدِيرُ»      سَمَاع: شَنِيدَن = سَمْعٌ  
 يَزِيدُ عَنْ: بِيَش اَز ... است      يَفْوُقُ: بِالاَتِر اَست اَز ...      نَمَلَة: مُورَچَه

## النَّشاطُ اللُّغويُّ

أَكْتُبْ اسْمَ كُلُّ مِهْنَةٍ بِالْلُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ تَحْتَ صُورَتِهَا الْمُنَاسِبَةِ.

فَلَاحَة / بَيْطَرِيَّة / صَانِعَةُ التَّمَاثِيلِ / تِقْنِيُّ الْحَاسُوبِ / طَبَاخَة / مُصَلْحُ السَّيَارَاتِ / مُهَنْدِسُ الْعِمَارَةِ / مُصَلْحُ الْأَنَابِيبِ (سَبَّاك) / مُصَلْحُ الْأَجْهِزَةِ الْمَنْزِلِيَّةِ / مُحَايِبَة / مُصَوِّرَة / عَامِلُ الْمَطَبَعَةِ





## آلَّدْرُسُ الثَّالِثُ



إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

خداؤند زیاست و زیایی را دوست دارد.

## قيمة العمل

عِنْدَمَا رَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ مِنْ إِحْدَى الْغَزَوَاتِ،

إِسْتَقَبَلَهُ أَحَدُ أَصْحَابِهِ بِاسْمِ «سَعِدٍ الْأَنْصَارِيِّ»،

فَصَافَحَهُ النَّبِيُّ وَوَجَدَ يَدَهُ حَشِنَةً؟

ثُمَّ سَأَلَهُ:

لِمَاذَا يَدُكَ هَكَذَا؟

أَجَابَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَشْتَغَلُ فِي الْمَرْعَةِ مِنَ الصَّبَاجِ حَتَّىَ الْلَّيلِ لِنَفْقَةِ

عِيَالِيِّ.

فَقَبَّلَ رَسُولُ اللَّهِ يَدَهُ وَقَالَ:

«هَذِهِ يَدٌ لَا تَمْسُّهَا النَّارُ أَبَدًا».



## المُعْجَم

إِسْتَقْبَلَ: به پیشواز رفت

«مَضَارِعٌ: يَسْتَقْبِلُ»

حَتَّىٰ: تا = إلى

صَافَحَ: دست داد

«مَضَارِعٌ: يُصَافِحُ»

غَرَوَاتٌ: جنگ‌ها «مفرد: غَرَوَةٌ»

قَبْلَ: بوسید

«مَضَارِعٌ: يُقَبِّلُ»

لَا تَمَسْ: لمس نمی‌کند

«ماضی: مَسَّ»



**أَحْبَّ عَنِ الْأَسْئِلَةِ التَّالِيَةِ إِجَابَةً قَصِيرَةً.**



١- مَتَى اسْتَقَبَ الْمُصَاحَّبُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ؟

٢- لِمَاذَا كَانَ الصَّحَّابِيُّ يَشْتَغِلُ حَتَّى الظَّلَلِ؟

٣- كَيْفَ كَانَ ظَاهِرُ يَدِ الصَّحَّابِيِّ؟

٤- مَنْ سَأَلَ: «لِمَاذَا يَدُكَ هَكَذَا؟»؟

٥- مَا اسْمُ الصَّحَّابِيِّ فِي الْقِصَّةِ؟

٦- أَيْنَ كَانَ الصَّحَّابِيُّ يَشْتَغِلُ؟

وَإِنَّكَ لَعَلَى حِلْوَةِ عَظِيمٍ

## اعلموا

### الماضي و المضارع و المصدر (۱)

بیشتر فعل‌های «ماضی سوم شخص مفرد» که با آن آشنا شده‌اید، از سه حرف اصلی تشکیل می‌شوند؛ مانند: خَرَجَ، عَرَفَ، قَطَعَ و شَكَرَ.

«ماضی سوم شخص مفرد» برخی فعل‌ها بیشتر از سه حرف اصلی است؛ مانند:

**إِسْتَخْرَجَ، إِعْتَرَفَ، إِنْقَطَعَ و تَشَكَّرَ.**

اکنون با فعل‌هایی آشنا می‌شوید که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها علاوه بر سه حرف اصلی، حرف یا حروف بیشتری دارد.

وزن فعل‌ها و مصدرهای جدول زیر را حفظ کنید.

مصدر	مضارع	ماضي
إِسْتِفْعَال	يَسْتَفْعِلُ	إِسْتَفْعَلَ
إِفْتِعال	يَفْتَعِلُ	إِفْتَعَلَ
إِنْفِعال	يَنْفَعِلُ	إِنْفَعَلَ
تَفَعُّل	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلَ

مثال:

مصدر	مضارع	ماضي
إِسْتِرْجَاعٌ: پس گرفتن	يَسْتَرْجِعُ: پس می‌گیرد	إِسْتَرْجَعَ: پس گرفت
إِشْتِخَالٌ: کار کردن	يَشْتَغِلُ: کار می‌کند	إِشْتَغَلَ: کار کرد
إِنْفِتاحٌ: باز شدن	يَنْفَتِحُ: باز می‌شود	إِنْفَتَحَ: باز شد
تَخْرُجٌ: دانش آموخته شدن	يَتَخَرَّجُ: دانش آموخته می‌شود	تَخَرَّجَ: دانش آموخته شد

آنچه در یادگیری فعل‌ها مهم است شناسه‌ها هستند که در سه سال گذشته با آنها آشنا شده‌اید.  
یادآوری فعل‌ماضی که در پایه هفتم خواندید:

«**تُ**» در «**فَعَلْتُ**» (انجام دادم) مانند:

تعلَّمْتُ      إِنْسَحَبْتُ      اكْتَسَبْتُ      إِسْتَخْرَجْتُ

«**تَ**» در «**فَعَلْتَ**» (انجام دادی) مانند:

تعلَّمْتَ      إِنْسَحَبْتَ      اكْتَسَبْتَ      إِسْتَخْرَجْتَ

«فَعَلَ» (انجام داد) مانند: «—»

تعلَّمَ      إِنْسَحَبَ      اكْتَسَبَ      إِسْتَخْرَجَ

«نَا» در «**فَعَلْنَا**» (انجام دادیم) مانند:

تعلَّمْنَا      إِنْسَحَبْنَا      اكْتَسَبْنَا      إِسْتَخْرَجْنَا

«تُمْ» در «**فَعَلْتُمْ**» (انجام دادید) مانند:

تعلَّمْتُمْ      إِنْسَحَبْتُمْ      اكْتَسَبْتُمْ      إِسْتَخْرَجْتُمْ

«وا» در «**فَعَلْوَا**» (انجام دادند) مانند:

تعلَّمُوا      إِنْسَحَبُوا      اكْتَسَبُوا      إِسْتَخْرَجُوا

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

..... اشتَغَلُوا: کار کرد

..... تَعْلَمْتُمْ: یاد گرفت

..... انْقَطَعَتْ: انقطع: بریده شد

..... اسْتَغْفَرْنَا: استغفار: آمرزش خواست

یادآوری فعل مضارع که در پایه هشتم خواندید:

«أ» در «**أَفَعَلُ**» (انجام می‌دهم) مانند: أَسْتَخْرُجُ أَكْتَسِبُ أَنْسَحِبُ أَتَعْلَمُ

«تَ» در «**تَفْعَلُ**» (انجام می‌دهی) مانند: تَسْتَخْرِجُ تَكْتَسِبُ تَنْسَحِبُ تَتَعْلَمُ

«يَ» در «**يَفْعَلُ**» (انجام می‌دهد) مانند: يَسْتَخْرِجُ يَكْتَسِبُ يَنْسَحِبُ يَتَعْلَمُ

«فَ» در «**نَفْعَلُ**» (انجام می‌دهیم) مانند: نَسْتَخْرِجُ نَكْتَسِبُ نَنْسَحِبُ نَتَعْلَمُ

«تَ» + «ريشه» + «ونَ» در «تَفْعَلُونَ» (انجام می دهید) مانند:

**تَسْتَخْرِجُونَ تَكْتَسِبُونَ تَنْسَحِبُونَ تَعْلَمُونَ**

«يَ» + «ريشه» + «ونَ» در «يَفْعَلُونَ» (انجام می دهند) مانند:

**يَسْتَخْرِجُونَ يَكْتَسِبُونَ يَنْسَحِبُونَ يَعْلَمُونَ**

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

..... **يَبْتَسِمُ**: لبخند می زند

..... **تَكَلَّمُ**: سخن می گوید

..... **تَنْسَحِبُ**: عقب نشینی می کند

..... **أَتَعْلَمُ**: یاد می گیرد

**الْتَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةَ.**



مصدر	مضارع	ماضى
استغفار: آمرزش خواستن	يَسْتَغْفِرُ:	اسْتَغْفَرَ:
اعتذار: پوزش خواستن	يَعْتَذِرُ:	اعْتَذَرَ:
انسحاب: عقب نشینی کردن	يَنْسَحِبُ:	انْسَحَبَ:
تكلم: سخن گفتن	يَتَكَلَّمُ:	تَكَلَّمَ:

**الَّتِيمِينُ الثَّانِي: إِقْرَأُ الْأَفْعَالَ وَالْمَصَادِرَ قِرَاءَةً صَحِيحةً، وَضَعِّفِ الْعَلَامَاتِ.**



مصدر	مضارع	ماضي
استكبار	يستكبر	استكبر
افتخار	يفتخر	افتخر
انهدام	ينهدم	انهدم
تصور	يتصور	تصور
استضعفاف	يستضعف	استضعف
اعتراف	يعترف	اعترف
انصراف	ينصرف	انصرف
تعمد	يتعمد	تعمد

## جواز (في قسم الجوازات\*)

### المسافر

نَحْنُ مِنْ إِيرَانَ.

أَشْكُرُكُمْ يَا سَيِّدِي.

أَحِبُّ هَذِهِ الْلُّغَةَ.

سِتَّةٌ.

نَعَمْ؛ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا بِطَاقَتُهِ بِيَدِهِ.

عَلَى عَيْنِي.

نَحْنُ جَاهِزُونَ.

### شرطٌ إدارة الجوازات

أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ. مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ؟

مَرَحَبًا بِكُمْ \* . شَرَفْتُمُونَا \*.

تَسْكَلُمُ بِالْعَرَبِيَّةِ جَيِّدًا!

كَمْ عَدْدُ الْمُرَافِقِينَ؟

هَلْ عِنْدَكُمْ بِطَاقَاتُ الدُّخُولِ؟

الرِّجَالُ عَلَى الْيُمْنِينَ وَ النِّسَاءُ عَلَى الْيُسْرَىِ.

رَجَاءً، اجْعَلُوا جَوَازَاتِكُمْ فِي أَيْدِيهِمْ.



قسم الجوازات في المطار

جواز السفر: گذرنامه «جمع: جوازات»  
مرحبا بكم: خوش آمدید = أهلاً و سهلاً بكم  
شرطونا: ما را مشرف فرمودید مرافق: همراه بطاقة: کارت، بلیت «جمع: بطاقات»  
جاهز: آماده

الَّتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ ✓ ✕

- ..... ١- «البطاقة» ورقة صغيرة عليها معلومات، أو ورقة قيمة.
- ..... ٢- شرط إدارة الجوازات يشاهد بطاقة الدخول.
- ..... ٣- جميع بطاقات الدخول في يد مدير القافلة.
- ..... ٤- عند مشاهدة السياح نرحب بهم.
- ..... ٥- ليست في المطار إدارة الجوازات.

الَّتَّمَرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمُ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ؛ ثُمَّ عَيْنِ الْمَطْلُوبِ مِنْكَ.

- ..... ١- قال رسول الله ﷺ: إنَّ مَنْ ذُنُوبَهُ لَا يُكَفِّرُهَا صَلَاةً وَلَا صَدَقَةً؛ قيلَ: يا رسول الله، فَمَا يُكَفِّرُهَا؟ قال: الْهُمُومُ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ.
- [ ..... جَمْعَ الرَّسُولِ: وَ جَمْعَ الصَّدَقَةِ]
- ..... ٢- اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهُمَّ وَالْحَرَثِ وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ. الإمام الصادق ع
- ..... ٣- عَلَيْكُمْ بِحُسْنِ الْخَطْطِ فَإِنَّهُ مِنْ مَفَاتِيحِ الرِّزْقِ. رسول الله ﷺ [مُتَضَادُ السُّوءِ]
- ..... ٤- إِنَّكُمْ مَسْؤُلُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ . الإمام علي ع [الضمير]
- ..... ٥- إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ. أمير المؤمنين علي ع [وزن الجميل و الجمال]

يُكَفِّرُ الذَّنْبَ: گناه را می بخشد  
هُمُوم: اندوهها «فرد: هَم» = حُزْن حَرَث: اندوه = حُزْن  
حُسْنُ الْخَطْطُ: خوش خطی ≠ سوء الخط بِقَاع: قطعه های زمین «فرد: بُقَعَة» بَهَائِم: چارپایان (به جز درندگان) «فرد: بَهِيمَة»

### الْتَّمْرِينُ الثَّالِثُ: أَكْتُبْ مُفَرَّدَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ.

ذُنُوبٌ ..... بِطَاقَاتٍ ..... مَفَاتِيحٌ ..... هُمُومٌ ..... دُنُوبٌ:  
 أَصْحَابٌ ..... سُيَّاحٌ ..... بَهَائِمٌ ..... بِقَاعٍ ..... بِقَاعٌ:

### الْتَّمْرِينُ الرَّابِعُ: انتَخِبْ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً لِلتَّوْضِيحاَتِ التَّالِيَةِ.

- ١- أَوراَقٌ تُعْطِيهَا الْحُكُومَةُ لِإِثْبَاتِ الْهُوَيَّةِ عِنْدَ السَّفَرِ إِلَى الْخَارِجِ. الْأَنْقُودُ  الْجَوَازُ
- ٢- رُجُوعُ الْجَيْشِ عَنْ مَوْقِعِهِ إِلَى الْوَرَاءِ فِي الْحَرَبِ: الْأَنْسَاحَابُ  الْكَسَلُ  الْحَزَنُ
- ٣- الَّذِي يَكُونُ مَعَكَ فِي طَرِيقٍ أَوْ سَفَرٍ: الْجَاهِزُ  الْمُرَافِقُ  الْشُّرْطِيُّ
- ٤- حَيَوانَاتُ أَهْلِيَّةٌ كَالْبَقَرِ وَ الْمَرَسِ: الْأَطْيُورُ  الْبَهَائِمُ  الْأَسْمَاكُ
- ٥- قِطْعَةٌ مِنَ الْأَرْضِ: الْأَنْفَقَةُ  الْغَزَوَةُ  الْبُقْعَةُ

### الْتَّمْرِينُ الْخَامِسُ: أَكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

مصدر	مضارع	ماضي
..... : لبخند زدن	..... : لبخند می زند	اِبْتَسَمَ : لبخند زد
..... : اِنْقِطَاعٌ	يَنْقَطِعُ : بریده می شود	..... : بریده شد
..... : اِسْتِخْرَاجٌ : خارج کردن	..... : خارج می کند	..... : خارج کرد
..... : سخن گفت	يَتَكَلَّمُ : سخن می گوید	..... : سخن گفت
..... : جشن گرفتن	يَحْتَفِلُ : جشن می گیرد	..... : جشن گرفت
..... : شکسته شدن	..... : شکسته می شود	اِنْكَسَرَ : شکسته شد
..... : به کار گرفتن	يَسْتَخْدِمُ : به کار می گیرد	..... : به کار گرفت
..... : تَخَرُّجٌ : دانش آموخته شدن	..... : دانش آموخته می شود	..... : دانش آموخته شد

## الْبَحْثُ الْعِلْمِي

ابحث عن أسماء هذه المهن باللغة العربية في معجم فارسي - عربي.

[www.almaany.com/ar/dict/fa-ar/](http://www.almaany.com/ar/dict/fa-ar/)





## آلدَرْسُ الرَّابِعُ



كَهْفٌ عَلَيْ صَدْرٍ فِي مُحَافَظَةِ هَمَدَان



بُخَرَةُ سِيمِيرَهُ فِي مُحَافَظَةِ إِيلَام



مِنْطَقَةُ دَلْفَارْدٍ فِي مُحَافَظَةِ كِرْمَان



شَلَالِ سِيمِيرَمٍ فِي مُحَافَظَةِ إِسْفَهَان



قرَيْهُ زَرَّينِ گُلَّا فِي مُحَافَظَةِ مَازَنْدَرَان



عَيْنُ رَامِيَانٍ فِي مُحَافَظَةِ جُلِسْتَان

﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقُ﴾

العنكبوبت: ۲۰

بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه [خداؤند] آفرینش را آغاز کرد؟

## هُذَا خَلْقُ اللَّهِ

لُقمانٌ: ١١



■ في أعماق البحر أسماء مُضيئةً أضاؤها من نوع من البكتيريا المضيئة التي تعيش تحت عيون تلك الأسماك.

■ إن بعض الطيور والحيوانات تعرف بغيريذتها الأعشاب الطبيعية وتعلم كيف تستعمل العشب المناسب ل الوقاية من الأمراض المختلفة؛ وقد دلت هذه الحيوانات على الخواص الطبيعية لهذه الأعشاب.



■ إن أغلى الحيوانات إضافة إلى امتلاكها للغة خاصة بها، تملك لغة عاممة تستطيع من خلالها أن تتفاهم مع بعضها، فللغراب صوت يحدّر به بقية الحيوانات حتى تتبعه سريعاً عن منطقة الخطأ.



■ تستطيعُ الْحِرَبَاءُ<sup>\*</sup> أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتّجاهاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دونَ أَنْ تُحرِّكَ رَأْسَهَا، وَ هِيَ تَسْتَطِعُ أَنْ تَرَى فِي اتّجاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ.



■ لا تَتَحرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ<sup>\*</sup> ، فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ، وَلَكِنَّهَا تُعَوِّضُ هَذَا النَّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا فِي كُلِّ جَهَةٍ، وَ تَسْتَطِعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا مِئَتَيْنِ وَ سَبْعِينَ دَرَجَةً دونَ أَنْ تُحرِّكَ جِسْمَهَا.



تَمْلِكٌ: مالك می شود، فرمانروایی می کند  
 «ماضی: مَلَكٌ / مضارع: يَمْلِكُ»  
 حَتَّى تَبْتَعِدَ: تا دور شود  
 «ماضی: إِبْتَدَأَ / مضارع: يَبْتَعِدُ»  
 جُرْبَاءُ: آفتاب پرست  
 ذَلٌّ: راهنمایی کرد «ماضی: يَذْلِلُ»  
 سِيرُوا: حرکت کنید «ماضی: سَارَ / مضارع:  
 يَسِيرُ»  
 كَهْفٌ: غار  
 لَا تَتَحَرَّكُ: حرکت نمی کند  
 «ماضی: تَحَرَّكٌ / مضارع: يَتَحَرَّكُ»  
 مَعَ بَعْضٍ: با یکدیگر  
 مُضِيءٌ: نورانی  
 مِن خَلَالِهَا: در میان آن  
 وِقَايَةٌ: پیشگیری

إِتْجَاهَاتٌ: جهت‌ها «مفرد: اِتْجَاهٌ»  
 إِسْتَطَاعَةً: توانست «مضارع: يَسْتَطِعُ» = قَدَرٌ  
 إِضَافَةً إِلَى: افزون بر  
 أَضْوَاؤُهَا: نورهایشان  
 «أَضْوَاءٌ + هَا / مفرد: ضَوْءٌ»  
 أَعْشَابٌ: گیاهان «مفرد: عُشْبٌ / الْأَعْشَابُ»  
 الطَّبِيعَةُ: گیاهان دارویی «مفرد: عُشْبٌ طَبَيْعِيٌّ»  
 اِمْتِلاَكٌ: مالکیت، داشتن  
 أَنْ تُحَرِّكَ: که حرکت بدده «ماضی: حَرَكَ /  
 مضارع: يُحَرِّكُ / دون أَنْ تُحَرِّكَ: بی آنکه  
 حرکت بدده»  
 بُعْيَرَةٌ: دریاچه  
 بُومٌ، بُومَةٌ: جخد  
 تَعْوُضٌ: جبران می کند  
 «ماضی: عَوَّضٌ / مضارع: يُعَوِّضُ»

✗ ✓

### عَيْنِ الْجُملَةِ الصَّحِيحَةِ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةِ.

- ١- بعض الحَيَوانَاتِ وَ الطَّيُورِ تَدْلُلُ الإِنْسَانَ عَلَى الْأَعْشَابِ الطَّبِيعِيَّةِ.
- ٢- لِلزَّرَافَةِ صَوْتٌ يُحَدِّرُ بَقِيَّةَ الْحَيَوانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ عَنِ الْخَطَرِ.
- ٣- تَسْتَطِيعُ الْحِرَبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اِتْجَاهٍ وَاحِدٍ.
- ٤- تَعِيشُ الْأَسْمَاكُ الْمُضِيءُ قَرِيبَةً مِنْ سَطْحِ الْبَحْرِ.
- ٥- لَا تَعِيشُ حَيَوانَاتٌ مائِيَّةٌ فِي أَعْمَاقِ الْبَحْرِ.
- ٦- يَتَحَرَّكُ رَأْسُ الْبُومَةِ فِي اِتْجَاهٍ وَاحِدٍ.

## اعلموا

### الماضي و المضارع و المصدر (٢)

در درس سوم با چند فعل، که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها بیش از سه حرف است، آشنا شدید.

اکنون با چند فعل دیگر آشنا شوید:

خَرَجَ عَرَفَ دَرَسَ گَتَبَ  
أَخْرَجَ تَعَارَفَ دَرَسَ كَاتَبَ

وزن فعل‌ها و مصدرهای جدول زیر را حفظ کنید.

مصدر	مضارع	ماضي
تَفَاعُل	يَتَفَاعِلُ	تَفَاعَلَ
تَفْعِيل	يُفَعِّلُ	فَعَّلَ
مُفَاعَلَة	يُفَاعِلُ	فَاعَلَ
إِفْعال	يُفْعِلُ	أَفْعَلَ

مثال:

مصدر	مضارع	ماضي
تَشَابُه: همانند شدن	يَتَشَابَهُ: همانند می‌شود	تَشَابَهَ: همانند شد
تَفْرِيح: شاد کردن	يُفْرِحُ: شاد می‌کند	فَرَحَ: شاد کرد
مُجَالَسَة: همنشینی کردن	يُجَالِسُ: همنشینی می‌کند	جَالَسَ: همنشینی کرد
إِخْرَاج: بیرون آوردن	يُخْرِجُ: بیرون می‌آورد	أَخْرَجَ: بیرون آورد

در درس سوم خواندید که آنچه در یادگیری فعل‌ها مهم است، شناسه است.  
مثال‌هایی برای یادآوری فعل ماضی که در پایه هفتم خواندید:

«ث» در «فَعَلْتُ» (انجام دادم)؛ مانند:

تعارَفْتُ عَلِمْتُ شاهَدْتُ أَرْسَلْتُ

«ث» در «فَعَلْتَ» (انجام دادی)؛ مانند:

تعارَفْتَ عَلِمْتَ شاهَدْتَ أَرْسَلْتَ

«فَعَلَ» (انجام داد)؛ مانند: «—»

تعارَفَ عَلَمَ شاهَدَ أَرْسَلَ

«نا» در «فَعَلْنَا» (انجام دادیم)؛ مانند:

تعارَفْنَا عَلِمْنَا شاهَدْنَا أَرْسَلْنَا

«تم» در «فَعَلْتُمْ» (انجام دادید)؛ مانند:

تعارَفْتُمْ عَلِمْتُمْ شاهَدْتُمْ أَرْسَلْتُمْ

«وا» در «فَعَلْوَا» (انجام دادند)؛ مانند:

تعارَفْوَا عَلِمْوَا شاهَدْوَا أَرْسَلْوَا

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

تصادَمَ: تصادف کرد

حَرَكَ: حرکت داد

سافَرَ: سفر کرد

أَحْسَنَ: نیکی کرد

مثال‌هایی برای یادآوری فعل مضارع که در پایه هشتم خواندید:

«أ» در «أَفْعُلُ» (انجام می‌دهم)؛ مانند: أَتَعَارَفُ أَعْلَمُ أَشَاهِدُ أَرْسَلُ

«ت» در «تَفْعَلُ» (انجام می‌دهی)؛ مانند: تَعَارَفُ تُعَلِّمُ تُشَاهِدُ تُرْسِلُ

«ي» در «يَفْعَلُ» (انجام می‌دهد)؛ مانند: يَتَعَارَفُ يُعَلِّمُ يُشَاهِدُ يُرْسِلُ

«ن» در «نَفْعَلُ» (انجام می‌دهیم)؛ مانند: نَتَعَارَفُ نُعَلِّمُ نُشَاهِدُ نُرْسِلُ

«ت» + «ريشه» + «ون» در «تَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهيد); مانند:

تَعْارَفُونَ تُعْلَمُونَ تُشَاهِدُونَ تُرْسِلُونَ

«ي» + «ريشه» + «ون» در «يَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهند); مانند:

يَتَعْارَفُونَ يُعْلَمُونَ يُشَاهِدُونَ يُرْسِلُونَ

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنيد.

يُعَوْضُ: جبران می‌کند ..... يُعَوْضُونَ:

يُعَالِمُ: رفتار می‌کند ..... تُعَالِمُونَ:

يُخْرِجُ: خارج می‌کند ..... يُخْرِجُنَّ:

تَبَادَلَ: داد و ستد کرد ..... تَبَادَلَنَّ:

آلَّتَمْرِينُ الْأَوَّلُ: تَرِجمَ الْأَفْعَالَ.



مصدر	مضارع	ماضى
تعامل: داد و ستد کردن	يَتَعَالِمُ: .....	تَعَالَمَ: .....
تلويں: رنگ آمیزی کردن	يُلَّوْنُ: .....	لَّوْنَ: .....
مصالحة: دست دادن	يُصَافِحُ: .....	صَافَحَ: .....
إنقاذ: نجات دادن	يُنْقِذُ: .....	أَنْقَذَ: .....

آلَّمَرِينُ الثَّانِي: إِقْرَأُ الْأَفْعَالَ وَالْمَصَادِرَ قِرَاءَةً صَحِيحةً، وَضَعِّفِ الْعَلَامَاتِ.



مصدر	مضارع	ماضي
تعارف	يتعارف	تعارف
تفتيش	يفتش	فتش
مجاهدة	يجاحد	جاحد
إحسان	يحسن	أحسن

مصدر	مضارع	ماضي
تقاعد	يتقاعد	تقاعد
تكميل	يكمل	كمل
محاولة	يحاول	حاول
إجلال	يجلس	أجلس

حوارٌ (في صالةِ التَّفْتِيشِ بِالْجَمَارِكِ\*)

الْأَزَرِ	شُرطُ الْجَمَارِكَ
عَلَى عَيْنِي، وَلَكِنْ مَا هِيَ الْمُشْكِلَةُ؟	إِجْلِبْ هَذِهِ الْحَقِيقَةَ.
لَا بَأْسَ.	تَفْتِيشٌ بَسِيطٌ.
لِأَسْرَتِي.	لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِيقَةُ؟
تَفْضُلْ، حَقِيقَتِي مَفْتوحَةٌ.	مِنْ فَضْلِكَ، افْتَحْهَا.
لَيْسَ كِتَابًا؛ بَلْ دَفَرُ الْذِكَرِيَاتِ.	مَا هَذَا الْكِتَابُ؟
حُبُوبٌ مُهَدَّدَةٌ، عِنْدِي صُدَاعٌ.	مَا هَذِهِ الْحُبُوبُ؟
وَلَكِنْ أَنَا بِحَاجَةٍ إِلَيْهَا جِدًّا.	هَذِهِ غَيْرُ مَسْمُوحَةٍ.
شُكْرًا.	لَا بَأْسَ.



صالة: سالن = قاعة تفتيش: بازرسى جمارك: گمرک ذكريات: خاطرات «مفرد: ذكرى»

## الَّتَّمَارِينَ

الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: أَيْ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعَجَّمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحاَتِ التَّالِيَّةَ؟

- ..... ١- إِدَارَةٌ مَسْؤُلَةٌ عَمَّا يَحْمِلُهُ الْمُسَافِرُونَ مِنْ بِلَادٍ أُخْرَى.
- ..... ٢- الْأَعْمَالُ الَّتِي تَفْعَلُهَا لِلابْتِغَادِ عَنِ الْخَطَرِ أَوِ الْمَرَضِ.
- ..... ٣- حَيَوانٌ يُدِيرُ رَأْسَهُ مَعَ حَرَكَةِ الشَّمْسِ كَانَهُ يَعْبُدُهَا.
- ..... ٤- بَيَاتٌ مُفِيدَةٌ لِلِّمَاعَالَجَةِ نَسْتَفِيدُ مِنْهَا كَدوَاءٍ.
- ..... ٥- طَائِرٌ يَنَامُ فِي النَّهَارِ وَيَخْرُجُ فِي اللَّيلِ.
- ..... ٦- الشَّيْءُ الَّذِي يُعْطِي نُورًا لَنَا.

الْتَّمَرِينُ الثَّانِي: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

- |                   |                          |         |                          |           |                          |          |
|-------------------|--------------------------|---------|--------------------------|-----------|--------------------------|----------|
| ..... ١- غُراب    | <input type="checkbox"/> | صَوْء   | <input type="checkbox"/> | عَصْفُور  | <input type="checkbox"/> | بُوم     |
| ..... ٢- حَلِيب   | <input type="checkbox"/> | شَاي    | <input type="checkbox"/> | عَصِير    | <input type="checkbox"/> | ذِكْرٍ   |
| ..... ٣- گَلْب    | <input type="checkbox"/> | فَرَس   | <input type="checkbox"/> | حِرْباء   | <input type="checkbox"/> | جَمَارِك |
| ..... ٤- عُيُون   | <input type="checkbox"/> | بَسِيط  | <input type="checkbox"/> | أَقْدَام  | <input type="checkbox"/> | أَيْدي   |
| ..... ٥- حَقِيقَة | <input type="checkbox"/> | حَافِلة | <input type="checkbox"/> | سَيَّارَة | <input type="checkbox"/> | طَائِرَة |
| ..... ٦- تُفَاح   | <input type="checkbox"/> | رُمَّان | <input type="checkbox"/> | عِنَب     | <input type="checkbox"/> | صُدَاع   |

الْتَّمَرِينُ الثَّالِثُ: أُكْتُبْ مُفَرَّدَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ.

..... أَعْشَابٌ: ..... أَصْوَاءٌ: ..... ذِكْرَياتٌ: ..... سَمَاكٌ: ..... عُيُونٌ:

مُسْؤُلَةٌ عَمَّا: مَسْؤُلٌ آنِچَه «عَنْ + ما = عَمَّا»

## الثَّمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرِجمٌ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ.

١- هل تعلم أنَّ الزَّرَافَةَ لا تَنَامُ فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ إِلَّا أَقْلََ مِنْ ثَلَاثَيْنَ دَقِيقَةً وَعَلَى ثَلَاثِ مَرَاحِلٍ؟

٢- هل تعلم أنَّ مَقَبَرَةً «وَادِي السَّلَامِ» فِي النَّجَفِ الْأَشْرَفِ مِنْ أَكْبَرِ الْمَقَابِرِ فِي الْعَالَمِ؟

٣- هل تعلم أنَّ الصِّينَ أَوْلُ دَوْلَةٍ فِي الْعَالَمِ اسْتَخَدَمَتْ نُقُودًا وَرَقِيَّةً؟

٤- هل تعلم أنَّ الْفَرَسَ قَادِرٌ عَلَى النَّوْمِ وَاقِفًا عَلَى أَقْدَامِهِ؟

٥- هل تعلم أنَّ أَكْثَرَ فيتامين C لِلْبُرُنُوقَالِ فِي قِشرِهِ؟



## النَّشاطُ اللُّغويُّ

ابحث عن صورٍ مُناسبةٍ لِخَمْسٍ مِنَ الْمِهَنِ وَالْحِرَفِ التَّالِيَةِ، ثُمَّ اكْتُبْ سَطْرًا لِكُلِّ مِنْهَا.



برق كار: كَهْرَبائِيٌّ

برنامه ریز: مُبَرِّمِج، مُخْطَطٌ

بنّا: بَنَاءٌ

پارچه فروش: بَزَّازٌ

پژوهشگر: باحِثٌ

پستچی: ساعِيُ البرِيدِ

پیمانکار: مُقاولٌ

تاپیست (حروفچین): طَبَاع، طَابِع عَلَى

الآلَةِ الكاتِبةِ

تراشکار: حَرَاطُ الْحَدِيدِ



آرایشگر زنانه: مَاشِطَة، مَشَاطَة

آسیابان: طَحَّانٌ

آهنگر: حَدَّادٌ

آهنگساز: مُلَحِّنٌ

آئینه کار: فَتَّانٌ زَخْرَفَةُ الْمَرَايا

اتوكش: كَوَاءٌ

انباردار: أَمِينُ الْمُسْتَوْدَعِ

پیرایشگر (سلمانی): حَلَاقٌ



باربر: حَمَّالٌ

بازاریاب: خَبِيرُ التَّسْوِيقِ، مُسَوْقٌ

بازرس: مُقْتَشِّنٌ

باونده: حَائِكٌ

**زرگر: صائِعُ الْذَّهَبِ**

**زنبوردار: نَحَّال، مُرَبِّي النَّحلِ**



**سبزی فروش: بائِعُ الْخَضْرَوَاتِ**

**سفالگر: فَخَّارِيٌّ، صَانِعُ الْفَخَّارِ، خَرَافِ،**

**صَانِعُ الْخَزَفِ**



**سنگ تراش: حَجَّار، نَحَّاتُ الْأَحْجَارِ**

**شیرینی فروش: حَلْوَانِيٌّ**

**صندوقدار: أَمِينُ الصُّنْدوقِ**

**طراح صنعتی: مُصَمِّمٌ صِناعيٌّ**

**طراح لباس: مُصَمِّمُ الْأَزياءِ**

**طلافروش: بائِعُ الْذَّهَبِ**

**عَكَاس: مُصَوِّر**

**تعمیرکار: مُصَلِّح**

**تکنیسین: تِقْنِيٌّ**

**تولیدکننده: مُنْتَج**

**چوپان: راعي (راعٍ)**

**حسابدار: مُحَاسِب**

**خاتم کار: مُطَعْمُ الْخَشْبِ**

**خبرنگار: مُرَاسِل**

**خدمتکار: خادِم**

**خواربار فروش: بَقَال**

**خواننده: مُعَنِّي**

**دربان: بَوَاب**

**راننده: سائِق**

**راهنمای سفر: دَلِيلُ السَّفَرِ**

**رفتگر: كَنَّاس، زَبَال**

**رنگ کار: مُلَوْن، صَبَاغ**



**روزنامه‌نگار: صَحَافِيٌّ، صُحُفِيٌّ**

غُواص: غَوّاص

فروشنده: باعِ

فيلم ساز: مُتَنَجِّعُ الْأَفْلَامِ



قاب ساز: صانُعُ الإطاراتِ

قصّاب: جَرَّار، قَصَّاب

كارشناس: خَبِيرٌ

كارفرما: مُدِيرُ الْعَمَلِ، رَبُّ الْعَمَلِ

كارگر: عَامِلٌ

كارگردان: مُخْرِجٌ

كارمند: مُؤَظَّفٌ

كاشى كار: بَلَاطٌ



كاشى كار سُنتى: فَنَانٌ زَخرَفَةٌ قَاشَانِيَّةٌ

كشاورز: زارِع، فَلَاح، مُزارِع



كُفَاش (كفسدوز): حَدَّاء، صانُعُ الْأَحْذِيَّةِ،

إِسْكَافِيٌّ



كليدساز: صانُعُ الْمَفَاتِيحِ

غارسون: نادِل، جَرْسُون

كچ كار: مُبَيِّضُ الْجُدْرَانِ

لوله كش: سَبَّاك، مُصَلِّحُ الْأَنَابِيبِ

ماهينگير: سَمَّاك



نَاخِدا: رَبَّانٌ السَّفِينَةِ

نَانُوا: خَبَاز، فَرَّان

نَجَّار: تَجَّار

نَظَافِتْچِي: عَامِلُ التَّنْظِيفِ

نَقَاشْ قَابِلو: رَسَام

نَقَاشْ سَاخْتمَان: صَبَاغٌ



نَگَهْبَان: حَارِس، نَاطُور

نوَازِنَدَه: مُوسِيقَار، عَزَّافٌ

نوِيسِندَه: كَاتِب، مُؤَلِّفٌ

واكْسَى: صَبَاغٌ

وِيرَاسْتَار: مُصَحْحَحٌ

هَنْرِيَشَه: مُمَثَّلٌ

هَنْرِمنَد: فَنَّانٌ



مَجْرِي: مُخْبِر، مُذَيِّع

مَغَازِه دَار: صَاحِبُ الْمَتَجَرِ

مَكَانِيَك: مِكَانِيَكِيٌّ



مَلْوَان: بَحَّار، مَلَّاحٌ

مَنْبَتْ كَار: فَنَّانٌ حَفَرِ الْخَشَبِ



مَهْمَانْدَار: مُضِيفٌ



مَهْنَدِس سَاخْتمَان: مُهَنَّدِسُ الْعِمَارَةِ

مَهْنَدِس كَشاورَزِي: مُهَنَّدِسُ زِرَاعِيٍّ

أَيُّهَا الزُّمَلَاءُ ؟  
إِلَى اللَّقَاءِ، نَنْتَظِرُكُمْ  
فِي الصَّفِّ الْحَادِيَ عَشَرَ ؛  
حَفِظَكُمُ اللَّهُ ؛  
فِي أَمَانِ اللَّهِ ؛ مَعَ السَّلَامَةِ.



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفاده نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی برخط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نویگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتواه آموزشی و پژوهشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی و دبیرخانه راهبری دروس و مدیر محترم پژوهه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیرانی که تلاش مضاعفی را در این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کردند به شرح زیر اعلام می‌شود:

#### اسامی دبیران شرکت کننده در اعتبارسنجی کتاب عربی، زبان قرآن (۱) - کد ۲۰۱۱۱

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی
۱	زیبا چاهیان بروجی	اصفهان	۲۰	کامران سلیمانی	کرمانشاه		
۲	مصطفومه ملکی	دبیرخانه، شهرستان‌های تهران	۲۱	سیده‌هاشم خشنود مقدم	مازندران		
۳	آمنه آقایی نعمتی	شهر تهران	۲۲	سید‌امیر فضیلت‌جو	کهگیلویه و بویراحمد		
۴	نصرین نجفی	اصفهان	۲۳	محمد امیری فر	خراسان جنوبی		
۵	سید‌هزرا حسینی طالبی	گیلان	۲۴	فریبا دانشگر	آذربایجان غربی		
۶	سکینه فتاحی‌زاده	دبیرخانه، شهرستان‌های تهران	۲۵	علی‌رفیعی	زنجان		
۷	طهمورث سلیمانی	کردستان	۲۶	مليحه خادملو	مازندران		
۸	مصطفومه پویا	البرز	۲۷	علی‌احمدی	زنجان		
۹	خدیجه حسینی	سمنان	۲۸	مصطفی بیات	البرز		
۱۰	مهستی رایگان	لرستان	۲۹	فرشته بیگی	ایلام		
۱۱	مصطفومه حسن‌زاده	شهر تهران	۳۰	لیلا اسدبرقی	آذربایجان غربی		
۱۲	غضبان علی‌پور	ایلام	۳۱	خسرو گروسی	کرمانشاه		
۱۳	سحر تمہیدی	دبیرخانه، شهرستان‌های تهران	۳۲	حسن عطفی	خراسان رضوی		
۱۴	زهرا دباغ	آذربایجان شرقی	۳۳	عباس رورده	شهرستان‌های تهران		
۱۵	پاپک قجر	کردستان	۳۴	نسیم فرهنگ	خراسان رضوی		
۱۶	مهندی شفایی	آذربایجان شرقی	۳۵	رنوف رهنمون	کردستان		
۱۷	اسمعیل رسایی	کرمان	۳۶	غلامرضا برشی	بوشهر		
۱۸	ابراهیم غلامی	خراسان شمالی	۳۷	رحمان فلاحتی مقدم	کهگیلویه و بویراحمد		
۱۹	حکیمه حسن‌زاده جعفری	کرمان					

